

طراحی الگوی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه

شیدا شکاری‌نمین*، علی‌اکبر فرهنگی[✉]، علیرضا ابراهیم‌پور**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی برای کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر داده‌ها، آمیخته و از نظر اجرا، پیمایشی اکتشافی بوده است. جامعه آماری بخش کیفی، خبرگان و صاحب‌نظران؛ شامل مدیران ارشد آموزش و پرورش و استادان دانشگاهی حوزه فرهنگ و فضای مجازی بوده‌اند که بر اساس رویکرد هدفمند و به روش گلوله برفی، تعداد ۲۰ نفر از آنان برای مصاحبه انتخاب شده‌اند و در بخش کمی نیز والدین، مدیران و معلمان مدارس دوره دوم متوسطه شهر تهران شرکت داشته‌اند. به منظور تعیین حجم نمونه، با استفاده از جدول کرجسی، ۱۶۳ نفر نمونه انتخاب شده‌اند و روش نمونه‌گیری، تصادفی بوده است. همچنین برای تعیین اعتبار یافته‌ها در بخش کیفی، از سه روش کثرت‌گرایی و برای تعیین پایایی در بخش کمی از روش آلفای کرونباخ بهره برده شده است. برای تحلیل داده‌های کیفی از کدگذاری نظری و برای تحلیل داده‌های کمی، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده و نتایج به دست آمده، به شناسایی ۶۵ کد باز، ۱۷ کد محوری و ۵ کد انتخابی به‌عنوان برنامه‌ها و راهبردهای فرهنگی مؤثر بر کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان انجامیده است. در نهایت نیز عوامل به دست آمده، الگوی مزبور را تشکیل داده‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که با اجرای راهبردها و برنامه‌های فرهنگی شناسایی شده می‌توان شکاف بین‌نسلی در میان دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه را تا حدی کاهش داد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ها و راهبردهای فرهنگی، دانش‌آموزان، شکاف بین‌نسلی،

شبکه اجتماعی اینستاگرام

* دانشجوی دکتری گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
sheydashekarinamin670@yahoo.com
✉ نویسنده مسئول: استاد گروه مدیریت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
dr-aafarhangi@yahoo.com
** استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
ebrahimpour46@yahoo.com

مقدمه

امروزه افزایش خانواده‌های پراکنده به لحاظ جغرافیایی، منجر به کاهش ارتباطات بین اعضا، به‌ویژه والدین و فرزندان شده و این افزایش فاصله، به‌نحوی، افزایش فاصله نسلی را در پی داشته و از تعاملات معنادار بین بزرگسالان سالمند و نوجوانان تا حد زیادی کاسته است؛ امری که به‌نحوی فزاینده، انسان‌ها را در خطر انزوای اجتماعی و تنهایی قرار داده است (رایز^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۲). به‌عبارت‌دیگر، انزوای اجتماعی به‌عنوان محصول شکاف نسلی بین بزرگسالان و فرزندان آنها در حال گسترش است (روث^۲ و همکاران، ۲۰۲۱: ۱). بر همین اساس، فاصله بین‌نسلی چه در ایران و چه در جهان امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. فضای مجازی به‌عنوان نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی عمر چندانی ندارد ولی خیلی خوب در زندگی مردم جا باز کرده و افراد بسیاری را از سنین مختلف و گروه‌های اجتماعی متفاوت در کنار هم گردآورده است چنان‌که از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از این طریق با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، فاصله دلیل خوبی برای ارتباط نداشتن نیست زیرا ارتقای تکنولوژی، ارتباط بین انسان‌ها را تسهیل کرده است (کاسیانتی^۳ و وو^۴، ۲۰۱۶: ۲۴۵)؛ البته گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه نسل‌ها نیز تغییراتی را به وجود آورده است که از آن جمله به کاهش نقش خانواده به‌عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزندان، شکاف بین‌نسلی به دلیل رشد فناوری، از بین رفتن حریم بین زوجین، فرزندان و والدین، ایستادن در برابر یکی از والدین یا هر دو، اعتیاد به اپلیکیشن‌ها، احساس تنهایی و مقایسه مفراط اجتماعی را می‌توان نام برد (چو^۵ و اگ^۶، ۲۰۱۲: ۱۱۸)؛ اما این پدیده جدید فقط پیامدهای منفی ندارد و حتی در صورت استفاده صحیح، پیامدهای مثبت زیادی به همراه خواهد داشت به‌طوری که برنتزگ^۷ (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان داده است استفاده از اینستاگرام می‌تواند پیامدهای مثبتی نظیر یافتن دوستان جدید، تعامل با دوستان و خانواده، تقویت پیوندهای اجتماعی، آشنایی با فرهنگ ملل مختلف، دریافت و ارائه آموزش مجازی، راه اندازی کسب‌وکار و ... داشته باشد (۴۷۱)؛ اما صرف‌نظر از اینکه استفاده از اینستاگرام چه پیامدهایی خواهد داشت، می‌توان گفت که صرف استفاده از اینستاگرام این پیامدها را رقم نمی‌زند بلکه این انگیزه افراد است که چنین پیامدهایی به‌همراه دارد (شلدون^۸ و بریانت^۹، ۲۰۱۶: ۸۳).

1. Reis
2. Ruth
3. kusyanti

4. Wh
5. Chou
6. Edge

7. Brandtzaeg
8. Sheldon
9. Bryant

این اتفاق که فضای مجازی، بشر امروز و نسل دیروز را درگیر خود کرده است، با وجود اتفاقات خوشایندی که از طریق آن به وقوع پیوسته، خسارات جبران‌ناپذیری را نیز در پی داشته است. از جمله اینکه ارتباطات رو در رو و صمیمانه، به ارتباطات مجازی تبدیل شده که عواطف و احساسات درونی در آن کمتر به چشم می‌خورد یا نمود بیرونی ندارد؛ فعالیت‌های جسمی کاهش یافته برای احوالپرسی از دوستان و آشنایان، به‌جای قرار گذاشتن در فضای واقعی نظیر پارک‌ها، از طریق فضای مجازی اقدام می‌شود؛ ساعت‌ها بدون اینکه از جای خود حرکت کنیم، داشته باشیم غرق در این فضای بزرگ و پر زرق‌وبرق می‌شویم، بازی‌های واقعی در فضای بیرونی جای خود را به بازی‌های اینترنتی و مجازی داده‌اند و صدها عیب و ایراد دیگر که استفاده زیاد و ناصحیح از فضای مجازی به آنها دامن زده است (محمدزاده و جهانی، ۱۳۸۱: ۲۶)؛ اما در کنار پیامدهای نامطلوبی که فاصله بین‌نسلی ایجاد می‌کنند، همبستگی بین‌نسلی، نقش مهمی در بهزیستی روان‌شناختی افراد دارد و باعث افزایش رضایت از زندگی می‌شود (لی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۶۲۶)؛ بنابراین می‌توان گفت که فناوری‌های جدید کارکردهای متفاوتی برای کاربران ایجاد کرده‌اند. برای مثال با استفاده از آنها می‌توان کارها را راحت‌تر و سریع‌تر انجام داد و یا در هر زمان با فرزندان ارتباط گرفت و از احوال آنها باخبر شد؛ اما گاه نیز ممکن است استفاده‌های نامناسبی از آنها صورت گیرد که باعث از هم‌گسیختگی ارتباطات شود؛ برای مثال؛ با گذراندن ساعت‌های متمادی در فضای مجازی، حرف زدن و با هم بودن کاهش پیدا کند. به هر حال، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مانند شمشیری دو لبه هستند که هم باید نگران آن باشیم و هم از آن بهره ببریم. منفی فکر کردن به شبکه‌های اجتماعی جز ترسیم خطرات و ایجاد فشار روحی نتیجه‌ای در بر ندارد، باید فکر کنیم و حداکثر بهره را در زمینه‌های مختلف از آنها ببریم.

ادبیات پژوهشی موجود نشان می‌دهند که تغییرات قابل توجهی در نابرابری اجتماعی بر اساس سطوح تمایز بین‌نسل‌های مختلف رخ داده و بر اساس آن شکاف عمیقی بین والدین و دانش‌آموزان پدید آمده است؛ بر این اساس مدارس ممکن است با تأثیر بر شبکه‌های اجتماعی که در میان دانش‌آموزان خود تشکیل می‌دهند، بتوانند تحرک بین‌نسلی را نیز تحت تأثیر قرار دهند (فلچر^۲ و هان^۳، ۲۰۲۱: ۱). از طرفی هم امروزه قابلیت‌های رو به رشد فناوری،

1. Li

2. Fletcher

3. Han

توانایی افزایش تعاملات معنادار را بیشتر می‌کند و فاصله فرهنگ‌ها و نسل‌ها را از بین می‌برد (رایز و همکاران، ۲۰۲۱: ۱). در مواردی هم حمایت مالی والدین از فرزندان، باعث کاهش شکاف نسلی شده است (گیلسپای^۱ و ملدر^۲، ۲۰۲۱: ۳). بی‌تردید جوانان دیروز متفاوت است جوانان امروز می‌اندیشند و سلیقه‌های دیگری دارند به همین دلیل نیز با این دله‌ره مواجه‌اند که مبدا نسل جدید دستاوردها و زحمات و تجربیات آنان را به حساب نیاورد (گیلسپای و ملدر، ۲۰۲۱: ۳). در مجموع، اعتقاد بر این است که دنیای مدرن امروز، دنیایی است که شاخصه آن، تحولات پرشتاب فرهنگی و اجتماعی است و این تغییرات، منجر به نوعی واگرایی نسلی و تفاوت در ارزشگذاری‌ها، خصائل و رفتارهای بین‌نسلی می‌شود.

روابط میان والدین و فرزندان آنها، زمانی به بحران و چالش اصلی خود نزدیک می‌شود که فرزندان به سن بلوغ می‌رسند و این زمانی است که توأم با جوانی فرزندان، والدین مسن‌تر شده‌اند. در این دوره ممکن است الگوهای هنجاری و ارزشی والدین با فرزندان در معرض اختلاف، تعارض و تضاد قرار گیرد (هرناندز^۳، ۲۰۱۹: ۷)؛ بنابراین شناخت این الگوها و ارزش‌ها به نام ارزش یا هنجار و در شکل کلی، به نام شکاف بین‌نسلی، از اهمیت زیادی برخوردار است، به‌طوری که نبود هماهنگی و اختلاف‌های ارزشی و هنجاری میان والدین و فرزندان می‌توانند به طرق گوناگون در اعتیاد به اینترنت و جنبه‌هایی از آن، مانند استفاده از اینستاگرام نقش داشته باشد. در چنین شرایطی وسایل ارتباطی مانند اینستاگرام که زمینه تغییرات آنی و موقتی در وقایع و دگرگونی‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد، رفتارها و ارزش‌های نسل کنونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که توانایی نسل جدید در مواجهه با زندگی مدرن و در مقابل، مهارت ناکافی نسل‌های بزرگسال برای مواجهه با این پدیده، ناکارآمدی نهاد خانواده تأثیرات منفی هر دو نسل به جا می‌گذارد، باید این شکاف ایجاد شده را خوب شناخت و اهمیت آن را برای همگان آشکار کرد (شالچی و کلاهی، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

نسل‌های جدید هرگز زندگی اجتماعی پیشینیان خود را به همان شیوه تکرار نمی‌کنند بلکه این تکرار همواره با انتقاد، نوآوری و رد برخی از جنبه‌های سنتی همراه است. در زمان حاضر، این ویژگی‌ها به دلیل تغییرات عمومی که بر محیط اثر می‌گذارد و به سبب تنوع فراوان هنجارها و ارزش‌ها به نسل جدید امکان می‌دهد که تا حدودی به انتخاب‌های گوناگون بپردازد (جاراللهی و کسمایی، ۱۳۹۲: ۲). از سویی، مشاهده رفتار جوانان و همچنین نتایج برخی

پژوهش‌ها، حاکی از وجود ارزش‌ها و هنجارهایی در جوانان است که با ارزش‌ها و هنجارهای بزرگسالان، متفاوت به نظر می‌رسد. والدین از بی‌توجهی فرزندانشان به معیارها، ملاک‌ها و ارزش‌های آنها گله‌مند هستند و در بسیاری موارد از آن به‌عنوان یکی از مشکلات مهم زندگی خود یاد می‌کنند. فرزندان به‌طور متقابل از ارزش‌ها و معیارهای والدین درک کاملی ندارند و خواسته‌ها، انتظارات، نیازها و اعمال و رفتار و اعتقاداتشان در بسیاری از موارد موجب نگرانی والدین و حتی گاه تنش‌هایی میان والدین و فرزندان یا فرزندان کوچک‌تر و بزرگ‌تر می‌شود (ژانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۵) این مشکلات اهمیت پرداختن به پژوهش‌های مرتبط با شکاف بین‌نسلی را نمایان می‌سازند.

کشور ما نیز همگام با کل جهان درگیر فناوری و فضای مجازی شده است. ابتدا شبکه‌های اجتماعی پیام‌رسان در کشور جای خود را بین مردم باز کردند و صرفاً کار انتقال پیام را بر عهده اما رفته‌رفته با ورود و گسترش جهانی برخی از شبکه‌های اجتماعی که امکان ارسال تصاویر و فیلم را برای کاربران فراهم می‌کردند، در ایران نیز تمایل به استفاده از آنها رونق گرفت چنان‌که امروز به جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی اکثر آحاد جامعه تبدیل شده‌اند. یکی از پرکاربردترین این شبکه‌ها در ایران که تا مدت‌ها از سوی حاکمیت فیلتر نشده بود، شبکه اجتماعی اینستاگرام است. این شبکه اجتماعی سبک زندگی نسل جوان ایرانی یا به عبارتی دانش‌آموزان و دانشجویان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. در خصوص استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های مجازی، آمار رسمی و دقیقی وجود ندارد؛ اما مشاهده میدانی برای توسعه بحث پیرامون شبکه‌های مجازی و دانش‌آموزان نشان می‌دهد که اکثر دانش‌آموزان دوره متوسطه موبایل دارند و ارتباطات خود را از طریق شبکه‌های مجازی برقرار می‌کنند (این واقعیت را تعدادی از دانش‌آموزان دوره متوسطه در مقابل چند دبیرستان اذعان کرده‌اند). برخی پژوهش‌های جستجوگرانه و گریخته (بادله و همکاران، ۱۳۹۷) حاکی از آنند که دانش‌آموزان تمایل زیادی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی، با قابلیت انتشار عکس و فیلم دارند. این حجم استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی منجر به تغییر باورها و ارزش‌های حاکم بر آنان شده است و اختلاف فاحشی را با نسل قبلی، یعنی والدین ایجاد کرده است، چنان‌که حرف یکدیگر را نمی‌فهمند و به عقاید هم احترام نمی‌گذارند، این عامل منجر به شکاف بین‌نسلی بین آنان شده است و گسست‌های ارزشی و فرهنگی بین‌شان را افزایش داده است.

بر اساس گزارش مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا، ۱۳۹۹) حدود ۵۰ درصد نوجوانان (دانش‌آموزان) و جوانان (دانشجویان) از اینستاگرام استفاده و اوقات فراغت خود را با ورود به آن سپری می‌کنند. ورود بی‌رویه و گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان در اینستاگرام به دلیل اینکه استفاده صحیح از این شبکه اجتماعی در جامعه ما به درستی تبیین و فرهنگ‌سازی نشده است و اغلب خانواده‌ها هم به دلیل ساختار سنتی، چندان با اینگونه آشنایی ندارند، یک چالش جدی تربیتی به‌شمار می‌رود که موجب شکاف بین‌نسلی شده است. هرچند که این فرصتی برای آموزش و پژوهش نیز هست، امروزه اکثر جوانان و نوجوانان به دلیل آشنا نبودن با استفاده صحیح از اینستاگرام، بهره‌مفیدی از این فضاها نمی‌برند. در سطح جهانی، مطالعه‌ای بر روی ۱۵۰۰ نوجوان و بزرگسال انجام شده که نشان می‌دهد اینستاگرام در میان شبکه‌های اجتماعی بیشترین اثرات روانی مخرب را بر ذهن کاربران خود می‌گذارد؛ اما در پژوهش‌های دیگری اظهار شده است اپلیکیشن‌هایی که از طریق آنها کاربران تصاویر مختلف را به اشتراک می‌گذارند، باعث می‌شوند که کاربر بتواند خود را نشان دهد و هویت‌اش را ابراز کند، امری که از نکات مثبت برای جوانان و نوجوانان به‌شمار می‌رود. این مهم در خصوص دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه کشور، با توجه به اینکه آموزش‌های لازم را دریافت نکرده‌اند و خانواده‌هایشان نیز در زمینه استفاده از اینستاگرام و خطرات آن، اطلاعات کمتری دارند، بسیار حائز اهمیت است.

مجموع این گفته‌ها و بررسی‌های صورت گرفته حکایت از مسئله‌ای دارد که نشان می‌دهد خانواده‌ها به دلیل شکاف ناشی از شبکه اجتماعی اینستاگرام، درک صحیحی از یکدیگر ندارند، ارتباطات‌شان کاهش یافته و دچار بحران هویتی شده‌اند، به‌این ترتیب روزبه‌روز کارکردهای خانواده کم‌رنگ‌تر می‌شود و در عمل؛ در حال از بین رفتن است. این مسئله‌ای است که نیاز به، بررسی علمی بیشتر دارد و باید به آن پرداخته شود. بر این اساس، پژوهشگر به دنبال دستیابی به الگویی است تا از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام به کاهش شکاف بین‌نسلی در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه دست یابد. از این رو، پرسش اصلی پژوهش، تحت عنوان «الگوی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه کدام است؟» مطرح می‌شود.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

منظور از شکاف‌های اجتماعی^۱ عوامل گسستی است که جامعه را از نظر جمعیتی به چند گروه متفاوت تقسیم می‌کند (لیپست^۲ و روکان^۳، ۲۰۱۵: ۹۸). جوامع در حال گذار همچون ایران، استعداد بیشتری برای تولید شکاف دارند. این جوامع از طرفی، وام‌دار شکاف‌های جامعه سنتی و از طرف دیگر، باردار شکاف‌های جامعه مدرن‌اند؛ بنابراین جامعه ایران، جامعه‌ای است با تعدد و تراکم شکاف‌های اجتماعی که شکاف قومی را از جامعه سنتی و شکاف‌های نسلی، جنسیتی و طبقاتی را از جامعه مدرن دریافت می‌کند. پدیده شکاف نسلی^۴ به چگونگی تداوم فرهنگ یک جامعه از نسلی به نسل دیگر مربوط می‌شود. اگر در فرایند اجتماعی کردن کودکان، نوجوانان و جوانان، فرهنگ یک جامعه تا حد مطلوبی از یک نسل به نسل دیگر منتقل شود و باز تولید فرهنگی به نحو احسن انجام پذیرد، میزان اشتراک فرهنگی بین دو نسل بسیار بالا می‌رود و اختلاف فاحشی بین دو نسل به وجود نمی‌آید. در مقابل، اگر فرایند اجتماعی کردن به دلایل داخلی و خارجی دچار مشکل شود یا به طور ناقص انجام پذیرد و فرهنگ جامعه به نحو مطلوبی به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه دچار مشکل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم فاصله و شکاف می‌افتد. برای مثال، فاصله نسلی را فرهنگ آکسفورد، اختلاف در نگرش یا نبودن تفاهم و درک متقابل بین جوانان و افراد مسن تعریف کرده است (آکسفورد^۵، ۲۰۱۴: ۴۹۲). به نقل از سوادیان و همکاران، (۱۴۰۱). مؤلفه‌های متعددی در تشخیص هرگونه شکاف یا گسست نسلی قابل مشاهده‌اند؛ از جمله موارد کاهش ارتباط کلامی میان نسل بالغ و جوان، اختلال در فرایند همانندسازی و تبعیت نکردن کامل فرزندان از والدین، تغییر گروه مرجع جوانان، کاهش فصل مشترک‌های عاطفی میان نسلی، متعهد نبودن به فرهنگ نسل پیشین و نابرداری یا کاهش تسامح، تساهل و تحمل میان نسل‌ها؛ به این ترتیب، شکاف‌های قومی، نسلی، جنسیتی و طبقاتی، از جمله شکاف‌های فعال و مؤثر در ایران‌اند که با توجه به تغییرات اجتماعی گسترده به‌ویژه گسترش استفاده از رسانه‌های نوین دچار تکان‌های شدیدی شده‌اند.

همسو با این پژوهش و به منظور بررسی موضوع شکاف بین نسلی، محققان و صاحب‌نظران پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند که البته منجر به ارائه الگوی کاهش شکاف بین نسلی نشده‌اند اما ارتباط و دلایل شکاف بین نسلی را مشخص کرده‌اند؛ در اینجا به تعدادی از مهم‌ترین عوامل اشاره شده است.

1. social cleavages

2. Lipset

3. Rokkan

4. generation cleavages

5. Oxford

سوادیان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی، به بررسی شکاف نسلی و تجربه‌زیسته والدین سمنانی از فضای مجازی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داده است که فضای مجازی، موجب به‌وجود آمدن سه نوع شکاف با عنوان تفاوت در ارزش، تفاوت در بینش و تفاوت در کنش، میان والدین و فرزندان شده است که پیامد آن را می‌توان تضعیف کنش‌های عاطفی، سست شدن بنیان و افزایش خشونت‌های خانوادگی دانست. بنابراین اینترنت و فضای مجازی، زیست جهان جدیدی را ایجاد کرده‌اند که موجب دور شدن جوانان از ارزش‌های سنتی و پدید آمدن ارزش‌های جدید شده است و در کنار عوامل دیگر در گسست و تقابل اندیشه والدین و فرزندان سهم قابل ملاحظه‌ای دارد. نسل پیشین این نوع سبک زندگی را با اکراه پذیرفته و این نگاه دوگانه سنتی - مدرن، منجر به اختلال در کارکرد خانواده شده است. رئیسی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی، به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعاملات اعضای خانواده پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که میزان تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعاملات اعضای خانواده برابر با ۲۸ درصد است و این باید مورد توجه جدی خانواده‌ها قرار گیرد. بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر تعاملات اعضای خانواده نیز همبستگی به نسبت قوی وجود دارد. نقیب‌السادات و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی همراه در مناسبات نسلی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی همراه و تحکیم مناسبات نسلی دانشجویان با والدین، همبستگی منفی وجود دارد. همچنین بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی همراه و نوع مناسبات نسلی دانشجویان، به‌لحاظ انسجام و همبستگی، روابط چهره‌به‌چهره با والدین و اعضای خانواده و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی همراه و نوع مناسبات نسلی دانشجویان، از منظر تضعیف پیوند عاطفی در خانواده، رابطه معنادار دیده می‌شود. در مقابل، بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی همراه و نوع مناسبات نسلی دانشجویان، از منظر شکاف نگرشی در خانواده، رابطه معنادار تأیید نشده است. شبکه‌های اجتماعی همراه، روند نوسازی در عرصه روابط خانوادگی را تسریع و پیوندهای سنتی خانواده را تضعیف می‌کنند، در این زمینه، با تقویت پیوندهای عاطفی میان والدین و فرزندان، می‌توان از بروز بسیاری از عواقب جبران‌ناپذیر جلوگیری کرد. همتیان و تاجیک اسماعیلی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی

رابطه بین میزان استفاده از تلگرام و شکاف نسلی پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که بین استفاده از تلگرام با اهمیت دادن به دین، هم‌نواایی با ارزش‌های مردسالارانه، پذیرش گروه‌های مرجع سنتی، تغییر معیارهای داوری اخلاقی، سودجویی و شهروند جهانی دانستن خود، رابطه وجود دارد. جاویدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکاف نسلی دانشجویان دانشگاه شیراز پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داده است که بین متغیرهای میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان رضایت از شبکه‌های اجتماعی مجازی با شکاف نسلی رابطه معنادار مثبت وجود دارد. نتایج معادلات ساختاری نیز حاکی از آن است که متغیرهای شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی، تأثیر معناداری بر شکاف نسلی دارند. بر اساس نتایج پژوهش می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد که نسل‌های کنونی در معرض انتشار و نمایش پیام‌های متنوع رسانه‌ای قرار دارند و پیام‌هایی دریافت می‌کنند که می‌تواند سنت‌ها و الگوهای فرهنگی، اجتماعی و نسلی جوامع و همچنین روابط نسلی آنها را دستخوش چالش و دگرگونی کند. نیرا (۱۳۹۸) در پژوهشی رابطه استفاده از تلفن همراه باگسست‌نسلی دختران و مادران را بررسی کرده است. نتایج به‌دست آمده حکایت از آن دارد که تلفن همراه می‌تواند منجر به فروپاشی ارزش‌های سنتی جوامع و جایگزینی ارزش‌های مدرن شود. شکاف ذهنی (ارزشی) در بین دختران و مادران بیشتر از شکاف عینی (ارتباط تعاملی و کلامی) بوده است. همچنین افزایش وابستگی و اعتیاد به تلفن همراه، به‌واسطه قابلیت‌ها، جذابیت‌ها و امکانات، فاصله کاربران را از نظر ارزشی، فرهنگی و ذائقه (مصرفی، تغذیه، پوششی و فراغتی) با مادرانشان افزایش می‌دهد. حسینی‌بیوکی و جوکار (۱۳۹۸) در پژوهشی، به بررسی تفاوت شکاف بین‌نسلی در ارزش‌ها پرداختند. نتایج، حکایت از آن داشت که شکاف بین‌نسلی اگر به درستی درک نشود باعث بروز مشکلاتی در سطح خانواده و جامعه خواهد شد اما اگر به‌طور صحیح، شناخته و با شیوه‌های مناسب با آن برخورد شود، به ارتقای نسل‌های آینده کمک خواهد کرد. سنتی و مدرنیته بودن جامعه در میزان شکاف بین‌نسلی تأثیری ندارد. بصیریان‌جهرمی و کللی‌خورموجی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر استفاده از اپلیکیشن اینستاگرام بر دوستی نوجوانان دختر و پسر مقطع متوسطه پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که بهره‌مندی از نرم‌افزارهای

کاربردی اینستاگرام بر دوستی نوجوانان دختر و پسر تأثیر می‌گذارد؛ ضمن اینکه این موضوع با پایبندی مذهبی خانواده‌های نوجوانان رابطه معنادار دارد چنان‌که با افزایش میزان پایبندی مذهبی خانواده‌های نوجوانان، از میزان بهره‌مندی آنان از اینستاگرام کاسته می‌شود.

برایت^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی، به تجزیه و تحلیل شکاف نسلی ناشی از شبکه‌های اجتماعی پرداختند. نتایج نشان داد که شکاف نسلی ناشی از استفاده کردن یا نکردن از شبکه‌های اجتماعی فاحش است به طوری که بین دو نسلی که از این شبکه‌های اجتماعی به‌طور فزاینده استفاده می‌کنند و نسلی که بنابه دلایل اجتماعی، مذهبی و سیاسی آنها را به کار نمی‌برند تفاوت معناداری وجود دارد. ژانگ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به مدل‌سازی کاربر رسانه اجتماعی بر شکاف نسلی با استفاده از مدل‌سازی روند نقطه قابل تفسیر پرداختند. آنان بیان کردند که کاربر رسانه اجتماعی باید عقاید به‌روز نسبت به سایت و شبکه اجتماعی داشته باشد تا بتواند شرایط آن را بپذیرد. همچنین نشان دادند که این شرایط باعث ایجاد شکاف نسلی در میان این افراد می‌شود. یافته‌ها و مدل‌سازی در این پژوهش، نشان از رابطه منفی بین شکاف نسلی و استفاده از رسانه اجتماعی دارد. هرناندز (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی شکاف ایجاد شده از طریق فناوری در میان نسل‌ها (چگونه رسانه اجتماعی بر رأی جوانان تأثیر می‌گذارد) پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه اینترنت در بعد شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، تلگرام و توییتر توانسته است تأثیر مثبتی بر رأی جوانان بگذارد؛ به عبارت دیگر، نتایج نشان داده که فناوری رسانه‌های اجتماعی توانسته است تأثیر بسزایی بر رفتار، نگرش و روان‌شناختی جوانان داشته باشد؛ تأثیری که در برخی مواقع مثبت و در برخی شرایط منفی است. ویلی^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی به موضوع درک محیط کاری با توجه به تفاوت نسلی و فناوری مورد استفاده در آن پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که تفاوت نسلی ناشی از فناوری مورد استفاده مانند شبکه‌های اجتماعی، فاصله نسلی بین همکاران را در شرایط کاری یکسان نشان می‌دهد. همچنین این تأثیر در برخی مواقع، مثبت و در برخی شرایط، منفی است؛ یعنی به نفع محیط کار یا شخص نیست. کلارک^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی، به بررسی رسانه دیجیتالی و شکاف نسلی پرداخت و اظهار کرد هرچقدر رسانه بر کار و فناوری خود بیشتر می‌افزاید، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان، حتی در

1. Bright

2. Wily

3. Clark

شرایط کاری افزایش می‌یابد. از طرفی در رسانه‌های جمعی اخیر، مانند توئیتر و فیس‌بوک، این شکاف نسلی بیشتر هم هست به طوری که در برخی شرایط، نسل‌ها با اعتقادات جدا از هم زندگی می‌کنند.

در پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور، موضوعات و مفاهیمی همچون تفاوت شکاف بین‌نسلی در ارزش‌ها میان نوجوانان و والدین، رابطه استفاده از تلفن همراه با گسست نسلی دختران و مادران، تبیین اثرات شکاف بین‌نسلی بر هویت اجتماعی - سیاسی دانش‌آموزان، پیامدهای شکاف دیجیتال بر شکاف فرهنگی، میزان و تأثیر استفاده از اپلیکیشن اینستاگرام بر دوستی نوجوانان دانش‌آموز، گرایش به استفاده از اینترنت و تلفن همراه در تغییر هویت فردی کاربران و ... مورد بررسی قرار گرفته است، اما هیچ یک از مطالعات مورد اشاره در پیشینه پژوهش، به کنش‌های اجتماعی، فرهنگی و تعاملات نسل‌ها با یکدیگر در ارتباط با استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام و پیامدهای آن نپرداخته‌اند. ضمن اینکه اهمیت موضوع نیز در پیشینه یاد شده مورد بررسی قرار نگرفته است؛ به این ترتیب از آنجا که کنش‌ها و تعاملات میان نسل‌ها اجتناب‌ناپذیر است و پرداختن به آن اهمیت زیادی دارد، پژوهشگر به دنبال شناسایی راهبردها و برنامه‌های فرهنگی مؤثر بر کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تهران بوده و بر این اساس، پرسش‌های زیر را مطرح کرده است:

- عوامل فرعی (برنامه‌ها و راهبردهای فرهنگی) کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان چه هستند؟
- عوامل اصلی (برنامه‌ها و راهبردهای فرهنگی) کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان کدام‌اند؟
- آیا الگوی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه از اعتبار کافی برخوردار است؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر داده‌ها یک پژوهش آمیخته اکتشافی و از نظر ماهیت اجرا، پیمایشی است. ابتدا از طریق مطالعه اسناد و مدارک و مصاحبه با خبرگان، عوامل اصلی و فرعی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام شناسایی شده‌اند و سپس به روش تحلیل

عاملی تأییدی، عوامل به‌دست آمده، تأیید و ضرایب مسیر آنها مشخص شده است. جامعه آماری بخش کیفی، خبرگان و صاحب‌نظران شامل؛ مدیران ارشد آموزش و پرورش (با تجربه بالای ۱۵ سال) و استادان دانشگاهی حوزه فرهنگ و فضای مجازی بوده‌اند (که آثار علمی، کتاب‌ها و مقالاتی در زمینه شکاف بین‌نسلی و فضای مجازی منتشر کرده‌اند) برای انتخاب هدفمند نمونه، با توجه به اینکه پژوهشگر با تمام افراد حوزه فرهنگ و فضای مجازی (به‌طور خاص شکاف بین‌نسلی و فضای مجازی) آشنایی نداشت، به‌روش گلوله برفی و از طریق برخی افراد این حوزه، به افراد دیگر دسترسی یافت و با آنان مصاحبه کرد. به این ترتیب که دو نفر از خبرگان این حوزه را شناسایی و پس از مصاحبه، از آنان درخواست کرد افراد دیگری را معرفی کنند تا نفرات بعدی شناسایی شوند، این موضوع تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. مصاحبه با نمونه به‌صورت حضوری و به مدت ۳۰ تا ۶۰ دقیقه انجام گرفت. در مجموع با به‌کارگیری رویکرد گلوله برفی، پس از مصاحبه با ۲۰ نفر، نظر آنان مبنای تحلیل قرار گرفت. جامعه آماری بخش کمی، والدین، مدیران و معلمان مدارس دوره دوم متوسطه شهر تهران با حداقل مدرک کارشناسی ارشد بودند. به‌منظور تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد و از بین آنان ۱۶۳ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. سپس به روش طبقه‌ای تصادفی، اقدام به نمونه‌گیری شد. برای این کار مناطق بیست‌گانه آموزش و پرورش شهر تهران به ۵ طبقه شمال (مناطق ۱، ۳، ۴)، جنوب (مناطق ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰)، شرق (مناطق ۱۳، ۱۴، ۱۵)، غرب (مناطق ۲، ۵، ۹، ۱۰) و مرکز (مناطق ۶، ۷، ۱۱، ۱۲) طبقه‌بندی شدند و در ادامه، از هر طبقه، یک منطقه به‌عنوان نمونه انتخاب شد. بر این اساس، از شمال منطقه ۴، از جنوب مناطق ۱۶ و ۱۹ (با توجه به حجم بیشتر دو منطقه انتخاب شد)، از شرق منطقه ۱۳، از غرب منطقه ۵ و از مرکز منطقه ۶ انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در بخش کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و در بخش کمی، پرسشنامه محقق‌ساخته (شامل ۶۵ سؤال و ۱۷ مؤلفه بر مبنای طیف لیکرت ۷ گزینه‌ای) بود. برای تعیین اعتبار یافته‌های بخش کیفی از روش کثرت‌گرایی (مثلث‌سازی) استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است و نشان می‌دهد داده‌ها از اعتبار کافی برخوردارند.

طراحی الگوی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه

جدول ۱. نتایج اعتبارسنجی یافته‌های بخش کیفی به روش کثرت‌گرایی

Table 1. validation results of the findings of the qualitative section by pluralism method

پایایی بازآزمون (درصد) Test-retest reliability	تعداد عدم توافق‌ها Number of disagreements	تعداد توافق‌ها Number of agreements	تعداد کل کدها Total number of codes	روش Method
83	25	58	139	استفاده از مصاحبه‌شوندگان جدید
89	22	50	112	بازآزمون روش انجام کار
81	29	42	104	قابلیت اطمینان بین کدگذاران

در بخش کمی برای تعیین روایی پرسشنامه، از روایی صوری و محتوایی و برای تعیین پایایی آن، از آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. نتایج محاسبه آلفای کرونباخ عوامل کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام

Table 2. The results of cronbach's alpha calculation of the factors of reducing the intergenerational gap through instagram

α	عامل‌ها Factors	α	عامل‌ها Factors
0.91	تهیه محتوای مجازی هویت‌ساز نسلی	0.93	مدیریت و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی
0.89	تولید محتوای مجازی با فناوری‌های روز	0.88	بازتعریف نقش خانواده‌ها
0.90	سواد رسانه‌ای	0.90	ساخت و ارائه محتوا
0.91	ترویج ارزش‌ها از طریق شخصیت‌های معروف	0.90	آموزش عمومی و تخصصی
0.89	آموزش‌های تخصصی	0.91	هدف محور بودن آموزش‌های مجازی
0.91	جامعه‌پذیری نسل‌ها	0.89	پذیرش و استفاده از فضای مجازی
0.93	آموزش‌های عمومی مجازی	0.90	برنامه‌ریزی اجتماعی - فرهنگی

ادامه جدول ۲.

α	عامل‌ها Factors	α	عامل‌ها Factors
0.93	فرصت‌سازی از تهدیدها	0.87	برنامه‌های انگیزاننده
0.90	کنترل پیامدهای منفی تغییر فرهنگی بین‌نسلی	0.92	تشکیل گروه‌های فنی و نظارتی
0.87	هویت‌یابی	0.91	نظارت خانواده بر فضای مجازی
0.91	تغییرات مثبت فرهنگی	0.89	حامی بودن خانواده

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از رویکرد کدگذاری نظری استفاده شد. این بخش طی سه مرحله کدگذاری باز (شناسایی، فهرست مفاهیم و مقوله‌بندی آنها)، محوری (برقراری ارتباط بین مقوله‌های شناسایی شده) و انتخابی (یکپارچه‌سازی، بهبود و پالایش مقوله‌ها و کشف مقوله محوری با هدف ارائه نظریه) انجام گرفت. در بخش کمی با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی، تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شد و برنامه‌ها و راهبردهای فرهنگی به‌دست آمده، مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های بخش کیفی

برای پاسخ به این پرسش، پژوهشگر طی مصاحبه با خبرگان، به شناسایی مفاهیم و مصادیق مرتبط با کاهش شکاف بین‌نسلی در میان دانش‌آموزان از طریق اینستاگرام پرداخت. نتایج به دست آمده نشان داد که از طریق اینستاگرام می‌توان به تغییرات فرهنگی بین دانش‌آموزان پرداخت و به این ترتیب شکاف بین‌نسلی را کاهش داد. نتیجه مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان، منجر به شناسایی ۶۵ مصداق و مفهوم شده است. در ادامه، تعدادی از مصادیق شناسایی شده از متن مصاحبه‌ها آمده است:

مصاحبه‌شونده شماره ۵: «همه باید آموزش استفاده از این فضای پرمخاطره را فراگیرند. بخش زیادی از نسل قبلی با این تکنولوژی‌های جدید آشنایی ندارند و نمی‌دانند چطور بر فرزندان نظارت کنند. فرزندان هم به دلیل تجربه و سن و سال کمشان، هر محتوایی را درست می‌پندارند و هر محتوایی را ورود

می‌کنند و می‌خوانند و لایک می‌کنند. هر دو گروه باید آموزش سواد رسانه‌ای کسب کنند». مصداق شناسایی شده عبارت است از: افزایش سواد رسانه‌ای نوجوانان، جوانان و والدین در برخورد با محتوا و مطالب شبکه اینستاگرام. مصاحبه‌شونده شماره ۱: «ورود هر تکنولوژی باید همراه با فرهنگ‌سازی آن باشد. باید برای استفاده از اینستاگرام آموزش‌های مختلفی به مردم ارائه شود. فرقی نمی‌کند بچه باشد یا بزرگسال. آموزش‌های عمومی و تخصصی باید منجر به یک فرهنگ نهادینه در جامعه شود تا همه به استفاده صحیح از آن عادت کنند». مصداق شناسایی شده عبارت است از: آموزش عمومی و تخصصی برای استفاده از شبکه اینستاگرام.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۳: «الان بیشترین تأثیرات از طرف نخبگان هنری یا به قولی سلبریتی‌ها انجام می‌شود. زندگی این افراد به دلیل تمکن مالی‌شان، پر زرق‌وبرق است. کارهایی می‌کنند و تفریحاتی دارند که قشر معمولی جامعه ندارند. وقتی یک بچه یا جوان آن را می‌بیند خب تحت تأثیرات مثبت و منفی قرار می‌گیرد. دوست دارد او هم همین شکلی زندگی کند ولی آیا امکان دارد؟ ما باید از هنرمندان و افراد معروف کمک بگیریم و برای نسل جوان محتواهایی تولید کنیم که از این فکر که یک شبه به همه چیز برسند بیرون بیایند». مصداق شناسایی شده عبارت است از: نشان دادن چهره واقعی و سبک زندگی حقیقی شخصیت‌های معروف به دنبال‌کنندگان، برخلاف برداشت غیرواقعی نسل جدید از آنها به‌منظور حفظ هویت واقعی خود.

مصاحبه‌شونده شماره ۷: «در کشور ما مدیریت کلان فرهنگی وجود ندارد. نخبگان فرهنگی بایستی برای همه موضوعات برنامه داشته باشند. محتوای فضای مجازی و شبکه اینستاگرام در حال حاضر توسط گروه‌های غربی و غربزده‌ها تهیه می‌شود و بخشی از آن نیز به‌صورت فیک توسط بلاگرها و افراد خاص تهیه و دست به دست می‌شود. باید برنامه‌ریزی برای تهیه محتوا صورت گیرد و خوراک فضای مجازی را تهیه کرد و ابتکار عمل را از معاندین گرفت». از این متن، دو مصداق شناسایی شده است: محتواسازی یا ارائه محتوا و مدیریت و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۵: «همه می‌دانیم که فضای مجازی و به‌صورت خاص، اینستاگرام ذائقه مردم را تغییر داده است. پس اگر بتوانیم محتوایی مناسب با ارزش‌ها و فرهنگ مناسب تولید کنیم به‌طوری که نسل جوان و نسل

قبلی به سمت آن کشیده شوند، قطعاً می‌توانیم تغییرات مثبتی از آن به دست آوریم». مصداق شناسایی شده عبارت است از: تغییرات مثبت فرهنگی. بر اساس تحلیل صورت گرفته و فرایند کدگذاری مصاحبه‌ها، ۶۵ کد اولیه تحت عنوان کد باز شناسایی شدند. پس از شناسایی مصادیق مرتبط با تغییرات فرهنگی از طریق اینستاگرام به منظور کاهش شکاف بین‌نسلی از متن مصاحبه‌ها، پژوهشگر اقدام به دسته‌بندی مصادیق کرده است. از آنجا که واحد اصلی تحلیل برای کدگذاری باز و محوری، مصادیق هستند، هنگام تجزیه و تحلیل، تمامی مصادیق از طریق عنوان‌گذاری از سوی پژوهشگر، به طور مستقیم از رونوشت مصاحبه شرکت‌کنندگان و یا با توجه به موارد مشترک کاربرد آنها ایجاد شدند و نسخه‌های پیاده شده مصاحبه‌ها برای یافتن عوامل یا مقوله‌های فرعی و اصلی به طور منظم مورد بررسی قرار گرفتند که بر این اساس، ۱۷ عامل فرعی به عنوان برنامه‌ها و راهبردهایی که منجر به تغییرات فرهنگی دانش‌آموزان از طریق اینستاگرام می‌شوند، شناسایی شدند؛ بنابراین چند مفهوم در کنار هم یک دسته کلی ایجاد کردند که از آن به کد محوری یاد می‌شود. پس از شناسایی کدهای باز و محوری، دسته بزرگ‌تری از کدها که یک یا چند کد محوری را در بر گرفته بودند، شناسایی شدند. این کدها تحت عنوان کدهای انتخابی تعریف شدند که عوامل اصلی کاهش شکاف بین‌نسلی در بین دانش‌آموزان از طریق اینستاگرام هستند. بر این اساس ۶۵ مصداق (کد باز)، ۱۷ عامل فرعی (کد محوری) و ۵ عامل اصلی (کد انتخابی) دسته‌بندی شده، در جدول ۳ آمده است.

طراحی الگوی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه

جدول ۳. کدهای باز، محوری و انتخابی الگوی شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان

Table 3. Open, central and selective codes of the generation gap pattern through instagram among students

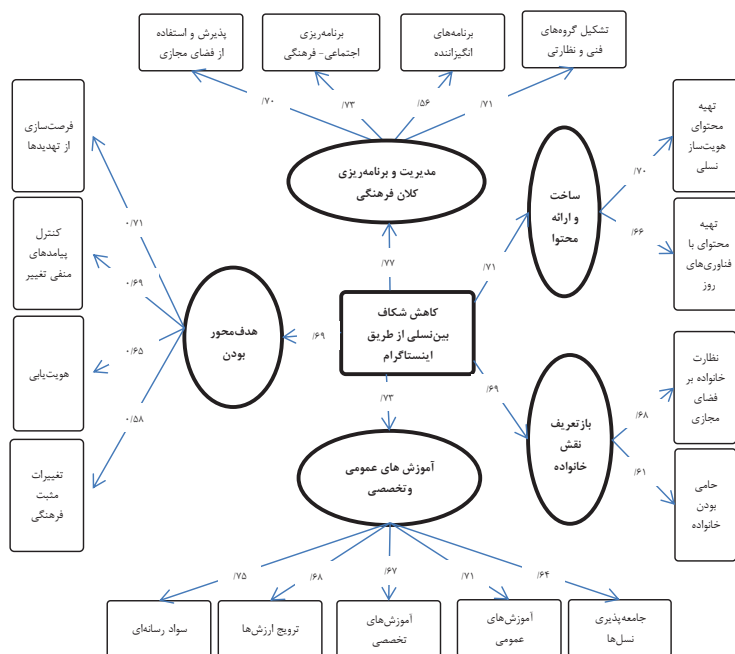
تعداد مصادیق (کدهای باز) Number of Open coding	عوامل فرعی (کدهای محوری) Secondary factors (axial coding)	عوامل اصلی (کدهای انتخابی) Main factors (selective coding)
3	پذیرش و استفاده از فضای مجازی	مدیریت و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی
5	برنامه‌ریزی اجتماعی - فرهنگی	
2	برنامه‌های انگیزاننده	
4	تشکیل گروه‌های فنی و نظارتی	
2	نظارت خانواده بر فضای مجازی	بازتعریف نقش خانواده‌ها
3	حامی بودن خانواده	
4	تهیه محتوای مجازی هویت‌ساز نسلی	ساخت و ارائه محتوا
3	تولید محتوای مجازی با فناوری‌های روز	
4	سواد رسانه‌ای	آموزش عمومی و تخصصی
7	ترویج ارزش‌ها از طریق شخصیت‌های معروف	
2	آموزش‌های تخصصی	
2	جامعه‌پذیری نسل‌ها	
5	آموزش‌های عمومی مجازی	
7	فرصت‌سازی از تهدیدها	هدف محور بودن آموزش‌های مجازی
4	کنترل پیامدهای منفی تغییر فرهنگی بین‌نسلی	
3	هویت‌یابی	
5	تغییرات مثبت فرهنگی	

یافته‌های بخش کمی

نتایج به‌دست آمده (نمودار ۱) حاکی از آن است که متغیرهای مشاهده شده به‌خوبی می‌توانند متغیر پنهان را تبیین کنند. از آنجا که بار عاملی تمام متغیرهای مشاهده شده بزرگ‌تر از $0/3$ است رابطه مطلوبی بین مصادیق با عوامل فرعی خود و بین عوامل فرعی با عوامل اصلی برقرار است. ضرایب مسیر عوامل اصلی نشان می‌دهد که بیشترین بارهای عاملی به‌ترتیب، مربوط به مدیریت و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی ($0/77$)، آموزش عمومی و تخصصی ($0/73$)، ساخت و ارائه محتوا ($0/71$)، هدف محور بودن ($0/69$) و بازتعریف نقش خانواده ($0/69$) است. همچنین از بین عوامل فرعی نیز بیشترین بارهای عاملی، مربوط به برنامه‌ریزی اجتماعی - فرهنگی ($0/73$) و کمترین بار عاملی مربوط به برنامه‌های انگیزاننده ($0/56$) است.

نمودار ۱. ضرایب مسیر عوامل کاهش شکاف بین‌نسلی
از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان

Graph 1. Path coefficients of the factors of reducing the generational gap through instagram among students



طراحی الگوی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه

به‌طور خلاصه می‌توان گفت: بار عاملی و ضریب معناداری مسیر مدیریت و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی با کاهش شکاف بین‌نسلی برابر $(\lambda = 0/77$ و $t = 21/14)$ ؛ مسیر هدف محور بودن برابر $(\lambda = 0/69$ و $t = 18/92)$ ؛ مسیر آموزش‌های عمومی و تخصصی فرهنگی برابر $(\lambda = 0/73$ و $t = 20/46)$ ؛ مسیر بازتعریف نقش خانواده‌ها برابر $(\lambda = 0/69$ و $t = 18/92)$ ؛ مسیر ساخت و ارائه محتوا برابر $(\lambda = 0/71$ و $t = 19/29)$ به‌دست آمده است. در خصوص شاخص‌های برازش الگو نیز پس از حذف خطاهای کوواریانس، بررسی شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهد که مدل از برازش خوبی برخوردار است و برنامه‌ها و راهبردهای کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان را تأیید می‌کند.

جدول ۴. شاخص‌های نیکویی برازش الگوی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان

Table 4. Goodness indices of the model of reducing the gap between generatins through instagram among students

میزان به‌دست آمده The amount obtained	دامنه قابل پذیرش Acceptable domain	شاخص Indicator
1669.72	-	X ²
564	-	Df
2.96	کمتر از ۳	X ² /df
0.072	کمتر از ۰/۸۰	RMSEA
0.96	بیشتر از ۰/۹	CFI
0.96	بیشتر از ۰/۹	IFI
0.93	بیشتر از ۰/۹	RFI
0.93	بیشتر از ۰/۹	GFI
0.90	بیشتر از ۰/۹	AGFI

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های کیفی و کمی حاصل از تحلیل داده‌ها پاسخ پرسش‌های پژوهش به شرح زیر به‌دست آمده است:

• عوامل فرعی (راهبردهای فرهنگی) کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان چه هستند؟

در مجموع ۶۵ کد باز ذیل ۱۷ عامل فرعی طی دو مرحله کیفی و کمی به‌عنوان برنامه‌ها و راهبردهای فرهنگی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان به‌دست آمده است. این یافته پژوهش نشان می‌دهد که از طریق فرهنگ‌سازی و ایجاد تغییرات فرهنگی بین دانش‌آموزان در فضای مجازی و به‌طور خاص از طریق آموزش در شبکه اجتماعی اینستاگرام می‌توان به کاهش شکاف بین‌نسلی کمک کرد. مصادیق شناسایی شده به‌طور خاص تأکید دارند اینستاگرام فضایی مطلوب است که در صورت استفاده صحیح و اجرای راهبردهای فرهنگی شناسایی شده در حوزه‌های مختلف می‌توان از طریق آن به کاهش شکاف بین دانش‌آموزان و والدین آنها کمک کرد.

• عوامل اصلی (راهبردهای فرهنگی) کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان چه هستند؟

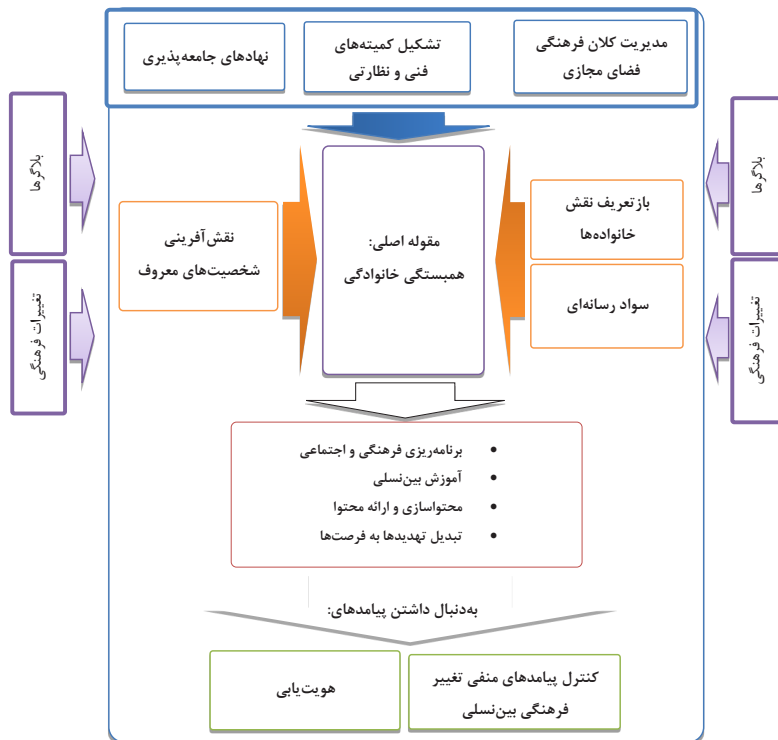
تحلیل داده‌های کیفی و کمی منجر به شناسایی ۵ عامل اصلی تحت عنوان برنامه‌ها و راهبردهای اصلی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شده است که عبارت‌اند از: راهبرد مدیریت و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی (۴) راهبرد فرعی پذیرش و استفاده از فضای مجازی، برنامه‌ریزی اجتماعی - فرهنگی، برنامه‌های انگیزاننده و تشکیل گروه‌های فنی و نظارتی؛ راهبرد بازتعریف نقش خانواده‌ها (۲) راهبرد فرعی نظارت خانواده بر فضای مجازی و حامی بودن خانواده؛ راهبرد ساخت و ارائه محتوا (۲) راهبرد فرعی تهیه محتوای مجازی هویت‌ساز نسلی و تولید محتوای مجازی با فناوری‌های روز؛ راهبرد آموزش عمومی و تخصصی (۵) راهبرد فرعی سواد رسانه‌ای، ترویج ارزش‌ها از طریق شخصیت‌های معروف، آموزش‌های تخصصی، جامعه‌پذیری نسل‌ها و آموزش‌های عمومی مجازی؛ راهبرد هدف‌محور بودن آموزش‌های مجازی و (۴) راهبرد فرعی فرصت‌سازی از تهدیدها، کنترل پیامدهای منفی تغییر فرهنگی بین‌نسلی، هویت‌یابی و تغییرات مثبت فرهنگی).

طراحی الگوی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه

• آیا الگوی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه از اعتبار کافی برخوردار است؟ یافته‌های حاصل از بخش کیفی پژوهش، به شناسایی عوامل فرعی و اصلی الگو انجامید و در نهایت، الگوی مفهومی مطابق نمودار ۲ شامل ۶۵ کد باز، ۱۷ کد محوری و ۵ کد انتخابی ترسیم شد که روی هم راهبردها و برنامه‌های مؤثر بر کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان را تشکیل دادند. الگوی مزبور از طریق تحلیل‌های کمی مورد سنجش قرار گرفت و نتایج به‌دست آمده نشان داد که الگو از برازش خوبی برخوردار است و اعتبار آن طی دو مرحله تحلیل کیفی و کمی در حد قابل قبولی قرار دارد.

نمودار ۲. الگوی مفهومی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان

Chrat. 2 Conceptual model of reducing the generational gap through instagram among students



نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که برای کاستن از شکاف بین‌نسلی از طریق آموزش مجازی اینستاگرامی لازم است قبل از هر اقدامی خودمان به این موضوع اذعان داشته باشیم که دنیا بر محور این فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پیش می‌رود و هر کشور برای استفاده بهینه از آنها اقدامات سریع و عاجلی انجام می‌دهد. کشور ما هم از این موضوع مستثنا نیست و باید ضمن پذیرش آن، به مدیریت منسجم و یکپارچه فضای مجازی پردازد و برنامه‌ریزی اصولی برای آموزش و فرهنگ‌سازی انجام دهد. باید بدانیم قصد چه کاری داریم و برای چه وارد میدان شده‌ایم، همه نیروها را بسیج کنیم، فرماندهی متمرکز داشته باشیم و همه عوامل و نهادهای درگیر در این موضوع را پای کار بکشیم، باید بپذیریم زمانی دیگران پای کار می‌آیند که خود ما در خط مقدم باشیم، فضای مجازی را از طریق گروه‌های فنی و نظارتی قوی و با دانش روز (هم سواد فناوری و هم سواد فرهنگی) رصد کنیم تا در مقابل محتوای ناسالم یا خلاف فرهنگ و ارزش‌ها، اقدامات مناسب و به موقعی صورت گیرد و محتوای سالم رواج یابد. راهبرد بعدی اثرگذار و دارای همبستگی بالا، آموزش عمومی و تخصصی است که همبستگی بالایی را نشان می‌دهد. در مورد راهبرد آموزش و شکاف نسلی هم رویکردهای متعددی وجود دارد. آموزش مهم‌ترین مقوله در بحث شکاف نسلی است؛ در واقع مربیان و سیاستگذاران آموزشی این قدرت را دارند که عوامل افزایش‌دهنده شکاف نسلی را کشف کنند (لاواتی^۱، ۲۰۱۹: ۴۶)؛ هرچند شکاف نسلی می‌تواند معلمان را از دانش‌آموزان مدارس جدا کند (آرار^۲، ۲۰۱۴: ۲۸۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سابقه تحصیلی والدین یا حتی تفاوت‌های آموزشی ممکن است می‌تواند منجر به ایجاد فاصله نسلی شود؛ البته والدین تأثیر زیادی بر تصمیم‌فرزندان خود برای آموزش دارند (داگری^۳ و مک‌کلوی^۴، ۲۰۱۳: ۳۰). دانش‌آموزانی که والدین آنها دارای سطح تحصیلی بالاتری هستند، به نسبت دانش‌آموزانی که والدین آنها تحصیلات پایین‌تری دارند کمتر دچار شکاف نسلی می‌شوند (لاواتی، ۲۰۱۹: ۴۷). نتایج نشان می‌دهد که آموزش خاص دانش‌آموزان نیست و برای استفاده از فضای مجازی و اینستاگرام لازم است والدین و معلمان نیز تحت آموزش قرار گیرند. ما به دنبال کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق احترام به ارزش‌های همه نسل‌ها هستیم نه اینکه ارزش‌های نسل جدید را کمرنگ و آنها را نزدیک به نسل قبل کنیم؛ بنابراین والدین و معلمان به‌عنوان نماینده نسل قبل باید آموزش ببینند

1. Lawati
2. Arar

3. Dockery
4. McKelvey

که چطور از شبکه اجتماعی اینستاگرام استفاده کنند، چطور به ارزش‌هایی که با ارزش‌های نسل خودشان همخوانی ندارد، احترام بگذارند، نسل جدید را درک کنند و این انتظار را نداشته باشند که نسل جدید مثل آنها، فکر رفتار کنند و عمل کنند. هم دانش‌آموزان و هم والدین و معلمان باید به سواد رسانه‌ای مجهز شوند تا سره را از ناسره تشخیص دهند و بدانند کدام خبر صحیح است و کدام کذب، چه متن‌ها و اخباری را نشر دهند و جلوی کدام یک را بگیرند، همه افراد به‌خصوص دانش‌آموزان باید منبع یابی اخبار را یاد بگیرند و برای اعتماد به منابع جستجو کنند و خبر درست را از منبع معتبر دریافت کنند نه آنکه هر چه را شنیدند، بپذیرند. فضای مجازی به لحاظ فناوری هم باید آموزش داده شود. افراد باید نحوه کار با رایانه و تلفن همراه را خوب بلد باشند تا مورد سوءاستفاده قرار نگیرند، والدین باید آگاهی کامل را داشته باشند تا فرزندانشان در محیطی امن و به‌دور از خطرات شبکه اینستاگرام به فعالیت بپردازند چراکه فناوری به همان میزان که خوب و ارزشمند است، خطر هم دارد و احتمال سرقت اطلاعات و سوءاستفاده‌های مختلف وجود دارد. باید نحوه استفاده از فضای مجازی و اطلاعات مندرج در آن را برای جامعه نهادینه کنیم تا خیالمان از بابت والدین و فرزندان راحت باشد و بدانیم که به‌دنبال خوراک خوب می‌روند. اگر محتوای خوب تهیه و در اختیار نسل‌ها گذاشته شود، به‌طور قطع مورد استقبال قرار می‌گیرد. جامعه ما ارزش‌هایی را در ذات خود جای داده است که اگر به آن پرداخته شود، بی‌تردید بخش اعظم مخاطبان به آنها گرایش پیدا خواهند کرد و فقط معدود افرادی با نیت خاص به سراغ محتوای غیراخلاقی، اخبار کذب، انتشار محتوای غیر ارزشی، کسب درآمد نامشروع و ... خواهند رفت. راهبرد دیگر برای کاهش این شکاف، نزدیک کردن اعضای خانواده‌ها به یکدیگر است. اگر خانواده‌ها نقش نظارتی خود را از ابتدا به‌طور صحیح ایفا کنند و حامی فرزندانشان باشند و انتظارات خود را از آنان بیان کنند، فرزندان هم نگرانی والدین را درک می‌کنند و ضمن پرداختن به علاقه‌مندی‌ها و ارزش‌های نسل خود، به انتظارات والدین هم توجه نشان می‌دهند و در راه برآورده کردن آنها تلاش می‌کنند. اگر والدین با فرزندانشان رفاقت و صمیمیت داشته باشند، به هم نزدیک‌تر می‌شوند و احترام متقابل برقرار می‌شود. محتواها مختص فرزندان نیستند بلکه برای بزرگسالان هم تهیه می‌شوند، باید پذیرفت که نوجوان و جوان امروز دیگر نمی‌تواند مانند گذشته زندگی کند، افکار خود را دارد و برای دنیایی دیگر در

حال آماده شدن و زندگی کردن است، به‌این ترتیب از طریق محتواهای دوگانه ویژه نسل قبل و نسل جدید و همدلی خانواده‌ها به واسطه تعریف نقش‌های جدید نظارتی و حمایتی آنها می‌توان به کاهش این شکاف کمک شایان توجهی کرد. در نهایت نیز آموزش‌های دانش‌آموزان از طریق اینستاگرام باید هدفدار باشد. باید بدانیم که از ارائه یک محتوای آموزشی چه هدفی را دنبال می‌کنیم. بر اساس نتایج به‌دست آمده، لازم است که تهدیدهای موجود فضای مجازی را به‌نوعی تبدیل به فرصت کنیم و به دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و ... خوراک آموزشی بدهیم. دانش‌آموزان برای زندگی در جامعه، الزاماً نیازمند آموزش‌های درسی نظیر ریاضیات و ... نیستند، ارزش‌های حاکم بر جامعه، گذشته ملی و مذهبی، نحوه کسب درآمد، نوع نگاه به زندگی و هموعان، سبک زندگی صحیح، رشد شخصی در کنار رشد جامعه و کشور، توجه به محیط‌زیست و هزاران موضوع مهم دیگر که نیازمند آموزش هستند، همه از طریق اینستاگرام قابل ارائه‌اند و این می‌تواند شکاف بین‌نسلی را کاهش دهد. کشورهای پیشرفته سالهاست به مدیریت فضای مجازی اقدام کرده‌اند و محتواهای مناسبی را برای مردمانشان تولید می‌کنند بخشی از این محتواها عام هستند و به درد افراد جامعه ما هم می‌خورند؛ اما برخی دیگر صرفاً به‌دنبال ترویج ارزش‌های فرهنگی خودشانند و باید از نفوذ آنها به فکر و ذهن دانش‌آموزان جلوگیری کرد تا جایگزین خوبی برایشان آماده شود؛ بنابراین از این طریق و با برنامه‌ریزی برای اجرایی کردن راهبردهای شناسایی شده در پژوهش حاضر می‌توان به کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق اینستاگرام در بین دانش‌آموزان اقدام کرد. علاوه بر راهبردهای مزبور، رسانه‌ها به‌عنوان بخشی از فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر مستقیمی بر شکاف نسلی دارند. رسانه‌ها با تأثیر بر فضاهای کنش، رابطه انسان‌ها را با نیاکان سنتی خود که دارای پیوندی نزدیک بودند؛ از بین برده‌اند و با ارائه الگوهای جدید باعث افزایش فاصله نسلی شده‌اند (ساروخانی، ۱۴۰۰: ۱۱). بر این اساس، رسانه‌ها باید به‌صورت هماهنگ به تولید محتواهای ارزشمند و عامه‌پسند برای دو گروه والدین و دانش‌آموزان اقدام کنند. آنها می‌توانند سواد رسانه ای را به والدین و دانش‌آموزان بیاموزند در کنار آن، نحوه تولید محتوا برای بارگذاری در فضای مجازی و از طرف دیگر، شیوه‌های تهیه مطالب سرگرم کننده و بازنشر اخبار و حوادث و این قبیل محتواها را به همه گروه‌ها آموزش دهند. در هر صورت، چه

رسانه‌های چه دیداری، شنیداری و چه رسانه‌های جدید فضای مجازی، همه و همه می‌توانند به کاهش شکاف بین‌نسلی کمک کنند.

اما از حیث مقایسه نتایج به‌دست آمده با نتایج سایر پژوهش‌ها می‌توان گفت کمتر پژوهشی با این عنوان انجام شده است؛ اما مطالعاتی با موضوع کاهش شکاف بین‌نسلی و یا استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی و اینستاگرام به‌صورت مجزا صورت گرفته که به نقد و بررسی نتایج به‌دست آمده با نتایج آنها پرداخته شده است. در مصاحبه‌های صورت گرفته، برخی از خبرگان معتقد بودند که شبکه اجتماعی اینستاگرام بیشتر شکاف بین‌نسلی را افزایش می‌دهد؛ اما در جمع‌بندی و اشیاع نظری نتایجی به‌دست آمد که نشان داد از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام می‌توان شکاف بین‌نسلی موجود میان دانش‌آموزان دوره متوسطه و والدین را کاهش داد. از حیث همخوانی یا نبود همخوانی در نتایج نیز می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر با مطالعات نیراء (۱۳۹۸)، حسینی‌بیوکی و جوکار (۱۳۹۸)، بصیریان جهرمی و کللی‌خورموجی (۱۳۹۷)، برایت و همکاران (۲۰۱۹) و کلارک (۲۰۱۶) همخوانی ندارد. نیراء (۱۳۹۸) به این نتیجه رسید که افزایش استفاده از فضای مجازی و تلفن همراه هوشمند، به واسطه قابلیت‌ها، جذابیت‌ها و امکانات، فاصله کاربران را از نظر ارزشی، فرهنگی و ذائقه، با مادرانشان افزایش می‌دهد و نبود سواد رسانه‌ای و عامه‌پسندی این رسانه بر ایجاد این شکاف دامن می‌زند. برایت و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که شکاف بین‌نسلی ناشی از استفاده کردن یا نکردن از شبکه‌های اجتماعی فاحش است، به‌طوری که بین دو نسلی که از این شبکه‌های اجتماعی به‌طور فزاینده استفاده می‌کنند و نسلی که بنابه دلایل اجتماعی، مذهبی، سیاسی و ... آنها را به‌کار نمی‌برند، تفاوت معناداری وجود دارد. از طرف دیگر، نتایج به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های سوادپایان و همکاران (۱۴۰۱)، رئیسی و همکاران (۱۴۰۰)، همتیان و تاجیک اسماعیلی (۱۴۰۰)، همچنین ژانگ و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی دارد. افضل‌ی و همکاران (۱۳۹۸) دریافته‌اند که شکاف‌های نسلی جمعیت در تهران طی یک دهه اخیر، هویت سیاسی - اجتماعی جامعه را در شکل، ماهیت، آثار و پیامدها تحت تأثیر قرار داده است. این اثرگذاری بهتر از هر قشری خود را در هویت دانش‌آموزان نشان داده است. نتایج حاکی از ارتباط مستقیم بین شکاف بین‌نسلی جمعیت و هویت اجتماعی - سیاسی در کلان شهر تهران است. مطالعات ژانگ و همکاران (۲۰۱۹) نیز در خصوص ایجاد

شکاف بین‌نسلی در میان کاربران رسانه‌های اجتماعی، حکایت از رابطه منفی بین شکاف بین‌نسلی و استفاده از رسانه اجتماعی دارد.

پیشنهادها

به‌طور خاص هم‌سو با نتایج به‌دست آمده می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

- فضای مجازی تحت مدیریت کلان فرهنگی قرار گیرد و با پذیرش شبکه‌های اجتماعی، به جای رویکرد انفعالی به شبکه اینستاگرام، به بهره‌برداری از آن پرداخته شود.

- حوزه‌های گفتمانی و ارزش‌های مشترک بین‌نسلی شناسایی شوند و برنامه‌ریزی برای جامعه‌پذیری آنها صورت گیرد.

- کمیته‌های فنی و نظارتی به‌منظور رصد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تشکیل شود و متناسب با ارزش‌های اجتماعی فرهنگی، محتواسازی در دستور کار قرار گیرد.

- خانواده در هر جامعه و فرهنگی، پایه و اساس است، با احیای نقش‌های گذشته خانواده می‌توان به کاهش شکاف بین‌نسلی کمک کرد. خانواده باید نقش نظارت بر فضای مجازی دانش‌آموزان را بر عهده گیرد و حمایت‌گر فرزندان در فضای مجازی باشد؛ و این قبیل نقش‌ها به خانواده‌ها کمک می‌کنند که شکاف بین والدین و فرزندان را کاهش دهند و به ارزش‌های حاکم بر هر نسل احترام بگذارند.

- آموزش سواد رسانه‌ای در دستور کار قرار گیرد. لازم است برای آموزش دانش‌آموزان، والدین، معلمان و دست‌اندرکاران مدرسه برنامه مجزایی در نظر گرفته شود.

- برنامه‌ریزی فرهنگی اجتماعی لازم صورت گیرد. ساماندهی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیاز به برنامه‌ریزی دارد. برای داشتن برنامه باید متولی تعیین کرد و برای اجرای تصمیمات آن، ضمانت اجرایی ایجاد کرد، همچنین بودجه و اختیارات لازم برای اجرای تصمیم را فراهم آورد. برای اوقات فراغت دانش‌آموزان و والدین نیز باید بر اساس ارزش‌های نسلی برنامه‌ریزی کرد.

- لازم است بر اساس برنامه‌های تدوین شده، فرصت‌ها را غنیمت شمرد و تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد. از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌توان کاری

کرد که وحدت ملی تقویت شود و شادی در بین احاد جامعه رونق بگیرد تا افراد شادتری در جامعه داشته باشیم، همچنین اصول اخلاقی و تربیت دینی جوانان را باید تقویت کرد و انتقال تجربیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود به نسل جدید را به‌عنوان یک ارزش در نظر گرفت تا همه گروه‌ها برای آن بسیج شوند.

• نحوه استفاده از شبکه اینستاگرام به همه نسل‌ها، به‌ویژه خصوصاً دانش‌آموزان که بیشترین وقت را در آن می‌گذرانند آموزش داده شود. والدین هم باید از قابلیت‌ها و نحوه استفاده از فضای مجازی آگاهی داشته باشند و آموزش‌های لازم را ببینند تا بتوانند بر فرزندانشان نظارت کنند.

نوآوری و محدودیت

بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش حکایت از آن داشت که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام، نه‌تنها شکاف بین‌نسلی را کاهش نمی‌دهند بلکه منجر به افزایش آن می‌شوند؛ اما پژوهش حاضر به‌دنبال شناسایی عوامل و مقوله‌هایی بود که تفکر قالب، یعنی افزایش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه‌های اجتماعی را رد کرد و در عوض، به کاهش این شکاف کمک کند. نتایج به دست آمده به‌عنوان یک نظر جدید و نوآورانه نشان داد که شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی مانند هر فناوری دیگر، فواید و ضررهایی دارند؛ عمده ضررها آن به سرعت وارد زندگی می‌شوند اما برای برخورداری از فواید و یا کاستن از ضررها، لازم است که متولیان امر از طریق پژوهشگران و صاحب‌نظران، به برنامه‌ریزی علمی و عملی روی آورند. شبکه اجتماعی اینستاگرام به این دلیل منجر به کاهش شکاف بین‌نسلی شده است که راهبردهای استفاده بهینه از آن سوی پژوهشگران و صاحب‌نظران شناسایی و ارائه نشده‌اند. این پژوهش برای اولین بار، عوامل و مقوله‌هایی را در قالب یک مدل ارائه داده است که ضمن مشارکت دادن تمام ذی‌نفعان، شرایط استفاده از ظرفیت‌های موجود را نیز مشخص کرده و راهبردهای عملیاتی برای کاهش شکاف بین‌نسلی را از طریق ابزاری که تاکنون منجر به افزایش شکاف گردیده، معرفی کرده است؛ لازم است برای عملیاتی شدن این راهبردها، مسئولان و تصمیم‌گیرندگان، برنامه عملیاتی مشخص و مدونی را تنظیم و اجرا کنند؛ لذا نتایج پژوهش حاضر یکی از محدود مطالعات این حوزه است که نتایج آن برخلاف سایر پژوهش‌ها، نشان می‌دهد کارکرد فرهنگی - اجتماعی یک ابزار را می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح و علمی تغییر داد.

البته ذکر این نکته نیز دارای اهمیت است که پژوهشگر برای انجام پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است؛ از جمله اینکه مبنای نظری موجود به اتفاق مؤید این نکته بودند که فضای مجازی و شبکه اینستاگرام منجر به افزایش شکاف بین‌نسلی می‌شوند و در این خصوص هیچ مبنای نظری حمایت‌کننده‌ای برای این پژوهش وجود نداشت. همچنین صاحب‌نظرانی که برای انجام مصاحبه به آنان مراجعه می‌شد، باور داشتند که موضوع پژوهش اشتباه است و نمی‌توان از طریق اینستاگرام به کاهش شکاف دست یافت؛ برخی نیز معتقد بودند افزایش شکاف بین‌نسلی چیز بدی نیست که ما به دنبال کاهش آن باشیم اما پژوهشگر با بیان استدلال‌های خود برخی از آنان را متقاعد کرد که مصاحبه را انجام دهند و پس از اتمام کار، نتایج نهایی را ارائه کرد که منجر به استقبال و دلگرمی شد؛ البته تعدادی هم متقاعد نشدند و مصاحبه‌ای با آنان صورت نگرفت.

منابع

- افضلی، رسول؛ بهادر، زارعی؛ عباس، احمدی و سیدضیاء، محسنی‌سپه‌ی. (۱۳۹۸). تبیین اثرات شکاف نسلی بر هویت اجتماعی - سیاسی دانش‌آموزان شهر تهران. *مجلس و راهبرد*، ۲۶(۹۸)، ۳۰۳-۳۳۵.
- ایسپا*. (۱۳۹۹). خبرگزاری دانشجویان ایران. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران. بادل، علیرضا؛ نوراله، قلی‌نژاد و مظفر، بیگدلی. (۱۳۹۷). رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با دانش، نگرش، رفتار و امنیت اجتماعی دانش‌آموزان. *پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی*، ۱۱(۳)، ۱۵۸-۱۳۵.
- بصیربان جهرمی، حسین و راضیه، کللی ورموجی. (۱۳۹۷). میزان و تأثیر استفاده از اپلیکیشن اینستاگرام بر دوستی نوجوانان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر بوشهر. *دومین همایش بین‌المللی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی با موضوع خانواده*. تهران: مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال.
- جاراللهی، عذرا و مینو، کسمایی. (۱۳۹۲). تفاوت نسلی میان مادران و دختران: بررسی عوامل مؤثر بر تفاوت نگرش آنها به ارزش‌های مربوط به خانواده. *خانواده*، ۳(۴)، ۲۲-۱.
- جاویدی، اسرافیل؛ حبیب، احمدی و ماهرخ، رجبی. (۱۴۰۰). مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکاف نسلی دانشجویان دانشگاه شیراز. *توسعه اجتماعی*، ۱۶(۲)، ۳۲-۱.

طراحی الگوی کاهش شکاف بین‌نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه

حسینی بیوکی، نفیسه و علی محمد، جوکار. (۱۳۹۸). تفاوت شکاف بین‌نسلی در ارزش‌ها میان نوجوانان و والدین دو شهر تهران و یزد. *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در روان‌شناسی*. مشاوره و علوم تربیتی، دبیرخانه دائمی کنفرانس. رئیسی، سیدموسی؛ حمید، انصاری و میثم، موسایی. (۱۴۰۰). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعاملات اعضای خانواده. *امنیت ملی*، ۱۱(۴۱)، ۳۷۰-۳۳۹. ساروخانی، باقر. (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی ارتباطات؛ اصول و مبانی*. تهران: اطلاعات.

سوادیان، پروین؛ حمید، مستخدمین حسینی و حبیب‌الله، کریمیان. (۱۴۰۱). شکاف‌نسلی و تجربه‌زیسته والدین سمنانی از فضای مجازی. *پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۰(۱)، ۲۸-۲.

شالچی، بهزاد و حامد، کلاهی. (۱۳۹۷). ارتباط ساختاری شکاف میان‌نسلی با اعتیاد به اینترنت در میان نوجوانان. *خانواده و پژوهش*، ۴۰، ۹۷-۱۱۱.

محمدزاده، یعقوب و امیر، جهانی. (۱۳۸۱). بررسی شکاف نسلی ارزشی بین مادران و دختران با تأکید بر ارزش‌های دینی در شهر مشهد. *بهورز*، ۵۰(۴۹). نقیب‌السادات، سیدرضا؛ جواد، صادقی و مهناز، خمسه. (۱۴۰۰). نقش شبکه‌های اجتماعی همراه در مناسبات نسلی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی. *مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه*، ۴(۲)، ۱۴۲-۱۰۱.

نیراء، انسیه. (۱۳۹۸). رابطه استفاده از تلفن همراه باگسست‌نسلی دختران و مادران. *چهارمین کنفرانس ملی علوم انسانی، جزیره کیش، شرکت توسعه دانش فرزندان ایرانیان*.

همتیان، نازنین و سمیه، تاجیک‌اسماعیلی. (۱۴۰۰). بررسی رابطه میزان استفاده از تلگرام با شکاف‌نسلی جوانان شهر تهران و والدین آنها. *مطالعات راهبردی فرهنگ*، ۱۱(۱)، ۱۸۲-۱۵۳.

Arar, K. (2014). Gender Discourse in an Arab-Muslim High School in Israel: Ethnographic Case Study. *Journal of Educational Needs*, 15(3), 281-301. at: <https://eric.ed.gov/?id=ej1038168>

Brandtzæg, P. B. (2012). Social Networking Sites: Their Users and Social Implications-A Longitudinal Study. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 17(4), 467-488.

Bright, C.; Forbes, C.; Thometta, B.; Braden, S. & Hannah, D. (2019). Social Network Gap Analysis Evaluation. *Family and Community Health*, 42(1), 43-53.

Chou, H. G. & Edge, N. (2012). They Are Happier and Having Better Lives Than I am: The Impact of Using Facebook on Perceptions of Others' Lives. *Cyber Psychology, Behavior, and Social Networking*, 15(2), 117-120.

Clarck, L S. (2016). The Digital Media and The Generation Gap, Information. *Communication & Society*, 12(3), 388-407.

Dockery, D.J.& Mckelvey, S. (2013). Underrepresented College Students' Experiences with School Counselors. *Journal of School Counseling*, 11(3), 30. at: <https://files.eric.ed.gov/ej1012298.pdf>

Fletcher, J. & Han, J.K. (2021). High Schools and Intergenerational Mobility. Research in Social Stratification and Mobility. in Press. *Journal Pre-Proof*. Available online 1, 2021, 100621.

Gillespie, B J. & Mulder, C H. (2021). *Christiane Von Reichert, the Role of Family and Friends in Return Migration and Its Labor Market Outcomes*. Population Research and Policy Review. At: <https://10.1007/S11113-021-09650>

Hernandez, Y. (2019). The Technology Gap Across Generations: How Social Media Affects the Youth Vote. *Political Analysis*, 20, 1-13.

Kusyanti, A. & Wh, O.S. (2016). How Do I Look: Self-Discloser of INSTAGRAM Users in Indonesia. *Journal of Education and Social Sciences*, 5(2), 242-247.

Lawati, S. (2019). Understanding The Psychology of Youths: Generation Gap. *International Journal of Psychology and Counselling*, 11,46-58. DOI: 10,5897/IJPC2019, 0568

Lipset, s.m. & Rokkan, s..(2015) party systems and voter alignments, newYork :free press

Li, M.; Luo, Y. & Li, P. (2021). Intergenerational Solidarity and Life Satisfaction Among Empty-Nest Older Adults in Rural China: Does Distance Matter? *Journal of Family Issues*, 42(3), 626-649. <https://doi.org/10.1177/0192513X20926216>

Reis, L.; Mercer, K. & Boger, J. (2021). Technologies for Fostering Intergenerational Connectivity and Relationships: Scoping Review and Emergent Concepts. *Technology in Society*, 64(2), 1-20. 1014940

Ruth, P.; Nicole, E.; Stephanie, A. W.; Gail, K.; Katrina, R.; Micah, G.; Hiroko, H. D.; Ebony, L.; Ying, X.; George, K.; Myra, H.; Jean, P.; Kaarin, J. A.; Nicola, T. L.; Anneke, F. & Kenneth, R. (2021). Intergenerational Programmes Bringing Together Community Dwelling Non-Familial Older Adults and Children: A Systematic Review. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 94. 2021, 104356.

طراحی الگوی کاهش
شکاف بین‌نسلی از طریق
شبکه اجتماعی اینستاگرام
در بین دانش‌آموزان
دوره دوم متوسطه

Sheldon, P. & Bryant, K. (2016). Instagram: Motives for Its use and Relationship to Narcissism and Contextual age. *Computers in Human Behavior*, 58, 89-97.

Wily, S. (2019). Understanding Today's Workforce: Generation Difference and the Technology the use. *Quickbooks*, 2, 1-7.

Zhang, J.; Zhuy, X.; Hansheng, W. & Guan, Y. (2019). Modeling Social Media User Content Generation Using Interpretable Point Process Models. *Journal of Annals of Applied Statistics*, 18, 1-25.